

به نام خدای مهربان



آشنایی با  
مشاهیر  
علم

آشنایی با

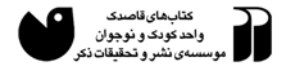
ابن سینا

مهروش طهوری



کتاب‌های قاصدک  
واحد کودک و نوجوان  
نشر و تحقیقات ذکر





کتاب‌های ناصدک  
واحد کودک و نوجوان  
موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر

---

---

---

---

---

**تذکره:** در زمان حیات ابوعلی سینا، عربی زبان علم جهان اسلام بود و به همین دلیل او نیز آثار خود را بیشتر به این زبان می نوشت. مثلاً کتاب عظیم «قانون» در اصل «القانون» و به عربی است. بنابراین، بیشتر آثاری که در کتاب حاضر از آن ها یاد می شود (چه در حد بردن نام و چه در حد نقل جمله‌ی ترجمه شده‌ای) به عربی تألیف شده‌اند، ولی از آن جا که مخاطبان اصلی این کتاب نوجوانان و جوانان‌اند، برای حفظ سادگی متن، از شرح مورد به مورد این اطلاعات خودداری شده است.

### پیشگفتار

آن چه ما درباره‌ی زندگی و فعالیت‌های علمی و فلسفی ابوعلی سینا می دانیم، در مقایسه با اطلاعاتمان درباره سرگذشت دیگر دانشمندان ایرانی - اسلامی بسیار بیشتر به نظر می رسد. شاید دلیل این امر، وجود زندگی‌نامه‌ی معتبر او باشد که به مدد ابوعلی جوجانی، شاگرد وفادارش، گردآوری شده است.

این زندگی‌نامه، دو بخش را شامل می شود. بخش نخست آن به قلم خود ابن سینا و بخش دیگر نوشته‌ی جوجانی است.

البته وقتی به بررسی آن چه دیگران درباره‌ی این دانشمند گفته یا نوشته‌اند می پردازیم، در می یابیم که سرگذشت او نیز مانند سرگذشت بیشتر بزرگان مشرق زمین، به افسانه آمیخته است، به طوری که در پاره‌ای از روایات نمی توان واقعیت را از خیال پردازی‌های دوست‌داران وی باز شناخت.

تمام جهانیان، شیخ‌الرئیس را بزرگ‌ترین فیلسوف مشائی<sup>۱</sup> ایران می‌دانند و او را به هوشی سرشار و نبوغی مثال‌زدنی می‌شناسند. وی بر بیشتر علوم زمان خویش کاملاً مسلط و در آن‌ها صاحب نظر بود. تبحر و خلاقیت طبی ابن‌سینا با توجه به عصری که در آن زندگی می‌کرد، سحرآمیز و مسیحایی به نظر می‌رسد و شاید همین امر، مهم‌ترین سبب داستان‌سرایی‌های مردم آن زمانه درباره‌ی اوست. در اروپای قرون وسطا، بوعلی را شخصیتی بسیار بزرگ و جایگاه علمی و فلسفی او را دست نیافتنی به حساب می‌آوردند. از نظر عالمان مسیحی آن دوره، ابن‌سینا و چند تن دیگر از دانشمندان مسلمان، قطب‌ها و ابر مردان تمدن بزرگ اسلامی و اغلب مروج افکار کفرآمیز<sup>۲</sup> بودند. جالب است بدانیم که کتاب‌های این گروه از بزرگان شرق در کتابخانه‌های در بسته‌ی کلیساهای قرون وسطا حفظ و نگهداری می‌شد و خواندن و درک این کتب جز برای کشیشان و دانشمندان وابسته به کلیسا تقریباً غیر ممکن بود.<sup>۳</sup>

ابوعلی سینا هیچ‌گاه از دواج نکرد و بیشتر عمر خود را در سفر

۱. فلاسفه‌ی مشائی پیروان ارسطو بودند. مشاء در لغت به معنای راه رونده است و از آن سبب که ارسطو عقاید خود را در حال راه رفتن بیان می‌کرد، به فیلسوفان تابع او نیز مشائی می‌گفتند.

۲. در کلیساهای قرون وسطا، از مسلمانان با عنوان «کفار» یاد می‌شد.

۳. داستان بلند و بسیار معروف «نام گل سرخ» به قلم امبرتواکو، نویسنده‌ی شهیر ایتالیایی، در فضای یکی از همین کتابخانه‌های کلیسایی دور می‌زند.

گذراند. او گاه ملازم حکام و از مزایای دوستی آنان برخوردار بود و گاه از آنان می‌گریخت. به این ترتیب، هیچ‌وقت نتوانست کاملاً از سیاست و سیاستمداران دور باشد. البته شاید هدفش از همراه شدن‌های دوره‌ای با صاحبان زر و زور، کسب امکانات مادی و فراغت بیشتر برای پیگیری تفکرات و تحقیقاتش بود؛ ولی در هر صورت، موفق نشد که آرامش و سلامتیش را از گزند دوستی و دشمنی اهل حکومت حفظ کند و پس از سال‌ها تحمل رنج سفر و سختی، در ۵۸ سالگی بر اثر بیماری قولنج درگذشت، هر چند که خود بارها و بارها بیماران مبتلا به این درد را درمان کرده بود.

داشتند. آنان شاعران پارسی زبان را گرامی می‌داشتند و مترجمان را به ترجمه‌ی کتاب‌های معتبری مانند «سندباد نامه»، «کلیله و دمنه»، «تاریخ طبری» و «تفسیر طبری» تشویق می‌کردند.

بیشتر بزرگان آل زیار، مردمانی فاضل و دانش دوست بودند. شمس‌المعالی قابوس بن وشمگیر، نویسنده و شاعری فاضل بود و دانشمندان و شاعران و ادیبان در دستگاه او از احترام فراوانی برخوردار بودند. نوه او، عنصرالمعالی کیکاووس، خود از دانشمندان این خاندان به شمار می‌رود و کتاب «قابوسنامه‌ی» او از شهرتی فراوان برخوردار است. خدمات آل بویه نیز به فرهنگ و ادبیات فارسی، به هیچ وجه کم‌اهمیت نبوده است.

در عصری که از آن سخن می‌گوییم، مراکز تحقیق و کتابخانه‌ها و مدارس، وسعت شگفت‌انگیزی یافتند و حاکمان و خاندان‌های توانگر، توجه فراوانی به دانشمندان نشان دادند. در فلسفه، چهره‌ای چون فارابی در این عصر رخ نمود و ریاضیات و ستاره‌شناسی در این دوران به‌اعتلایی در خور رسید و بزرگانی چون ابوریحان بیرونی فرصت ظهور یافتند. در جهان پزشکی نیز نابغه‌ای چون محمد بن زکریای رازی در این دوران جلوه کرد.

ابن سینا در اواخر دوران اقتدار سامانیان (یعنی در زمان حکومت نوح بن منصور سامانی) و در یکی از دوره‌های پرآشوب تاریخ ایران، چشم به جهان گشود.

#### ابن سینا و اوضاع سیاسی - اجتماعی و علمی عصر او

قرن چهارم و نیمه‌ی اول قرن پنجم هجری قمری، مهم‌ترین دوره از ادوار تمدن اسلامی ایران است و باید آن را عصر طلایی این تمدن نامید. در این عصر، ایرانیان حاصل کوشش‌های دو قرن خود را برای باز یافتن استقلال و برخورداری از دستاوردهای علمی و ادبی دیدند و شاهد ظهور حکیمان، دانشمندان و ادیبان درجه‌ی اول و شکوفایی نثر و نظم فارسی بودند.

اوج این درخشش در عهد دولت سامانی که بر ماوراءالنهر و خراسان و سیستان و ری و گرگان فرمانروایی داشت، پرتو افکند. آل زیار و آل بویه نیز در این عصر، اقتدار فراوانی یافتند و به رونق فضای فرهنگی ایران کمک شایانی کردند.

پادشاهان سامانی به زبان و ادبیات پارسی اهمیت زیادی می‌دادند و همه‌ی این خاندان، علاقه‌ی شدیدی به زبان، شعر و نثر پارسی

زادگاه او، بخارا و نواحی مجاور آن، با ظهور غزنویان، دستخوش تغییرات سیاسی-اجتماعی وسیع و به قول فردوسی «سراییی پر از جنگ» شد.

از آن جایی که ابوعلی سینا با کمک به درمان نوح بن منصور، به جرگه‌ی ملازمان وی پیوسته بود و پس از مرگ آن حاکم، در دربار جانشینش، عبدالملک دوم، مسئولیت و مقامی داشت؛ با فروپاشی دودمان سامانی و به بند کشیده شدن عبدالملک بن نوح، ناگزیر از بخارا گریخت.

بوعلی در هنگام ترک زادگاهش حدود ۲۲ سال داشت. به این ترتیب، او بقیه‌ی عمر را تقریباً در دربارهای مختلف سلاطین آل بویه گذراند.

ابن سینا را در آن دوره، گاه در لباس طبابت و گاه بر مسند وزارت می‌بینیم، بی آن‌که کوله بار سفرش را بر زمین گذاشته یا حتی برای چند روزی طعم آسایش را چشیده باشد.

شاید طولانی‌ترین دوره‌ی فراغت نسبی ابوعلی سینا، چند سالی بود که در اصفهان در دربار علاءالدوله روزگار می‌گذراند.

با حمله‌ی سلطان مسعود غزنوی به اصفهان و تصرف آن شهر، سپاهیان وی به تاراج اموال علاءالدوله و بوعلی پرداختند و کتاب‌های ابن سینا را سوزاندند. به این ترتیب، آرامش مقطعی این دانشمند نیز برای همیشه از او سلب شد.

البته ابوعلی سینا هم‌چنان تا آخر عمر، همراه و همسفر علاءالدوله بود و عاقبت نیز در سفری که با او به همدان رفت، جان خود را از دست داد و در همان شهر به خاک سپرده شد.